

متن پرسش

سلام علیکم: شهید مطهری در نقد مباحث هگل و دیالکتیک او و بحثی که راجع به علیت طرح می‌کند، اشاره دارند که بر اساس مبانی برهان صدیقین و اشارات مرحوم ملاصدرا می‌شود بحث علیت و دیالکتیک هگل رو نقد کرد. چگونه برهان صدیقین، در این بحث راهگشاست و میتونه پشتوانه برای نقد مباحث هگل باشه آنطور که شهید مطهری گفتند و توجه خاصی به اشارات حکمت متعالیه داشته اند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همه‌ی حرف در آن است که مگر حکمت متعالیه توان دیدن همه‌ی واقعیات و پدیده‌ها را دارد؟ آیا می‌توان از طریق حکمت متعالیه آنچه را که منطق دیالکتیکی متذکر آن می‌شود، را دید؟ ظاهراً مشکل این‌جاست و هگل با تسلط کاملی که نسبت به منطق ارسطویی دارد متوجه می‌شود اموری در میان هست مانند روح تاریخ، که این امور در معرض نگاه منطق ارسطویی و یا فلسفه‌هایی که در آن دستگاہ تفکر می‌کنند، به ظهور نمی‌آید. موفق باشید